



تأثیر مهاجرت اتباع بیگانه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

حسین عباسیان^۱

مهدی جالوند^۲

چکیده

با تحولات معنایی ایجاد شده در مفهوم امنیت، می‌توان پدیده مهاجرت را به عنوان یک مسئله امنیتی مورد مطالعه قرار داد. از این رو نوشتار حاضر با نگاهی آسیب‌شناسانه در مهاجرت اتباع بیگانه به کشور جمهوری اسلامی ایران، در پی کشف تأثیر و تأثرات این پدیده بر امنیت ملی است تا در چارچوب سیاست‌های نظام، تصمیم‌های مناسبی برای امنیت‌افزایی اخذ گردد. بررسی‌های انجام شده نشان داد مهم‌ترین آثار زیانبار اجتماعی مهاجرت بر امنیت ملی ایران در به چالش کشیدن هویت و یکپارچگی هویت اجتماعی جامعه ایران، ایجاد آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه و دخالت در سازمان‌یابی فضای شهری است. ایجاد آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه و مشاغل کاذب، ساخت و سازهای غیرمجاز و ایجاد محدودیت در رفاه اقتصادی شهروندان از آثار زیانبار مهاجرت در بعد اقتصادی قلمداد شد. از طرفی مهاجرت اتباع بیگانه، فرهنگ سیاسی و جامعه‌سازی سیاسی را تحت تأثیر قرار داده و با ایجاد مخاطره در امنیت عمومی و تشدید قومیت‌گرایی و سوء استفاده از آزادی‌های سیاسی ممکن است امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در بعد سیاسی - امنیتی با چالش‌های جدی مواجه سازد.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، امنیت، اتباع بیگانه، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران.

abasiyan_60@yahoo.com

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (نویسنده مسئول)

۲. استادیار فلسفه مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی

امنیت و مهاجرت دو مسئله بسیار مهمی است که همه جوامع را از ابتدای شکل‌گیری‌شان درگیر خود می‌نماید. یکی از دغدغه‌های بشر در طول تاریخ، ایجاد امنیت بوده و بشر همواره به دنبال فراهم نمودن شرایطی است که در چارچوب آن، در مقابل خطرات، تهدیدها و زیان‌های مختلفی که حیات او را نشانه گرفته‌اند، محافظت شود. بدین منظور، انسان با استفاده از تمام ظرفیت‌های مادی و معنوی، به دنبال ایجاد چتری حمایتی برای خود و هم‌نوعان خود بوده تا در سایه آن، حیات فرد و جامعه، حفظ و تداوم یابد. این مسئله در دنیای امروز ابعاد متفاوت و متنوعی را به خود اختصاص داده و در بحث از امنیت، صرف امنیت نظامی و فیزیکی مورد نظر نخواهد بود. یکی از ابعاد جدید امنیت که توجه ویژه‌ای را می‌طلبد، پدیده مهاجرت و پیامدهای حاصل از آن است. گرچه تفحص‌های انجام شده در این زمینه به کشف اثری که مستقلاً به ارتباط این دو مسئله پرداخته باشد، ختم نشد، لکن با تعمق در این دو مسئله، می‌توان به ارتباط وثیق و ناگسستنی میان آنها پی برد. از این رو جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که با پدیده مهاجرت اتباع بیگانه روبه‌روست، می‌تواند موضوع مناسبی برای بحث در این زمینه باشد.

مهاجرت‌هایی که پیش از انقلاب و پس از آن، مخصوصاً از جانب کشور افغانستان به ایران صورت گرفت، آسیب‌های فراوانی را به دنبال داشت. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های این مهاجرت‌ها که عمدتاً به سبب فقر و ناداری و به دنبال کسب و کار، اتفاق افتاده، تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. از آنجایی که مهم‌ترین اهداف امنیت ملی یک کشور، حفظ استقلال و تمامیت ارضی، تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور، حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی و فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدات اجتماعی محسوب شده (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۳۵)، پدیده مهاجرت امکان به مخاطره انداختن همه اهداف ذکر شده را دارد.

این مقال با تمرکز بر مهاجرت‌های مردم افغانستان به ایران در پی پاسخ به این پرسش است که مهاجرت اتباع بیگانه چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؛ از این رو تلاش می‌شود با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن ارائه تصویر روشنی از دو عنصر مهاجرت و امنیت ملی، به رابطه میان آن دو پرداخته شود و با تحلیل صحیح رابطه یاد شده، آسیب‌های آن در سه حوزه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه استقرا گردد. از آنجایی که فرضیه پژوهش حاضر، وجود آسیب‌های فراوان ناشی از مهاجرت اتباع در جامعه ایرانی و به تبع آن، ایجاد مخاطرات جدی در امنیت ملی جمهوری اسلامی است،





نتایج حاصل از این تحقیق، در صورت اثبات آن، می‌تواند در راستای امنیت‌افزایی و اتخاذ تصمیم‌های مناسب در چارچوب سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران مؤثر واقع شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. امنیت ملی

امنیت در نظر برخی از اندیشمندان امری مبهم دانسته شده که به باور آنها این ابهام، مانعی برای تعریف صحیح واژه امنیت شده است. افرادی چون «ولفرز» درباره ابهام یاد شده هشدار داده‌اند و «چارلز شولتز»^۱ مفهوم امنیت ملی را در شکل و نتیجه دارای ابهام و عدم شفافیت می‌پندارد که مرتب و دقیق نیست (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۲). باری بوزان^۲ نیز در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس معتقد است مفهوم امنیت به صورت جدی، عمیق و دارای کاربری چندگانه بوده و ابزار مفید نظری برای مطالعه روابط بین‌الملل نسبت به قدرت و صلح است؛ وی امنیت را دارای چشم‌انداز وسیعی می‌داند که وجه ممیزه آن، چیزی است که به وسیله صلح تأمین می‌گردد. رهیافت جدید بوزان، با این گمانه همراه است که مفهوم کاملاً توسعه یافته امنیت می‌تواند میان دو حد (طرفین) قدرت و صلح مورد مطالعه قرار گرفته و بیشتر بینش‌های آنان را همسو نموده و مشترکات را افزایش دهد. این مفهوم، ایده‌های زیادی را به وجود می‌آورد که قواعد نهادینه شده دو مکتب دیگر (آرمان‌گرا و واقع‌گرا) را به هم پیوند زده و میان سیاستمداران و روشنفکران و نیز تعیین‌کنندگی دو سویه و مجزای آنان پل ارتباطی ایجاد می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۴۵-۹). مهمترین تفاوت در تعریف بوزان این است که او امنیت را بخشی از مطالعات استراتژیک ندانسته، بلکه آن را عنصر مهم روابط بین‌الملل تلقی می‌کند و تلاش می‌کند چارچوبی را ارائه دهد تا بتوان با استفاده از آن، امنیت را در موارد متفاوت و شرایط مختلف مطالعه کرد.

صرف نظر از این باورها، بیشتر کارشناسان، امنیت ملی را عبارت از شرایطی می‌دانند که در آن منافع ملی و ارزش‌های داخلی ملت از گزند خطرهای تهدیدهای داخلی و خارجی دور نگه داشته شود (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۷۸). از این رو امنیت ملی را می‌توان شرایط و فضایی (ملی- فراملی) دانست که طی آن یک ملت قادر است از اهداف، ارزش‌ها و منافع حیاتی خویش در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل عوامل داخلی و خارجی، پاسداری و حفاظت نماید.



1. Charles Schultz
2. Barry Buzan

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان مهم‌ترین اهداف امنیت ملی یک کشور را در چهار مورد ذیل خلاصه کرد:

۱. حفظ استقلال و تمامیت ارضی؛
 ۲. تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور؛
 ۳. حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی؛
 ۴. فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدات اجتماعی (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۳۵).
- در صورتی که یکی از اهداف چهارگانه فوق، مورد تعرض و تهدید قرار گیرد، امنیت ملی آن جامعه با مخاطره جدی مواجه خواهد شد.

۱-۲. مهاجرت

مهاجرت به معنای رفتن از منطقه‌ای به منطقه دیگر برای مدت نسبتاً طولانی، به صورت محدود یا نامحدود است؛ در این جابه‌جایی فرد با دوری از شهر و دیار خود، برای کار یا زندگی، در محلی جدید سکنی می‌گزیند (عمید، ۱۳۷۶: ۱۱۳۶). این جابه‌جایی مکانی به طور معمول تحت تأثیر شرایط و عوامل نامساعدی چون فقر، بیماری، بلایای طبیعی، جنگ و مسائل سیاسی اتفاق می‌افتد؛ گاهی نیز عوامل مساعدی همچون امکانات بهداشتی، رفاهی و کاری بیشتر منطقه مهاجرت‌پذیر، عامل مهاجرت گروه‌های انسانی می‌شود. البته مهاجرت در معنای جدید آن به حرکت و اقامت بلندمدت شهروندان یک کشور به کشور دیگری گفته می‌شود که شهروند آن محسوب نمی‌شوند؛ لکن کوچ فصلی نیروی کار برای مدت کوتاه به کشوری دیگر را نیز می‌توان مهاجرت نامید.

با پیشرفت‌های زندگی بشری و وضع قوانین در کشورها، مقرراتی برای این جابه‌جایی‌ها وضع شد و معیارها و مدارک مشخصی برای شهروندی قرار داده شد و با کنترل مرزهای جغرافیایی یک کشور، حدود ملیت افراد و جوامع مشخص شده است. از این رو در شرایط کنونی، مهاجرت تابع قوانین و مقرراتی است که با تأیید مقامات کشورها صورت می‌گیرد، گرچه مهاجرت‌هایی به صورت غیرقانونی و قاچاقی در برخی کشورها انجام می‌گیرد. این مسئله سبب ایجاد سوالی در ذهن برخی اندیشمندان همچون بوزان شد که آیا پدیده مهاجرت تهدیدی برای امنیت ملی خواهد بود؟ (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۰)

بیش از ۱۹۰ کشور جهان به صدور پاسپورت و روادید برای کنترل ورود و خروج مرزها و تعیین نوع اقامت در آنها اقدام نموده‌اند (مارتین و ویگون، ۱۳۸۶: ۲). این اقدام کشورها نشان از آسیب‌های زیادی است که مهاجرت برای آنها داشته و به منظور کنترل و کاهش





آسیب‌های آن شکل گرفت؛ آسیب‌هایی که گاهی هضم شدن کشور مقصد در موج افراد مهاجر خارجی را رقم خواهد زد. داستان نابودی اقوام "تاسمانی" و "هوتنقوت" نمونه‌ای افراطی و سرکوب سرخپوستان در آمریکا نمونه دیگری از این طیف است؛ اقوام استونی، لائویایی و لیتوانیایی همواره از مهاجرت روس‌ها نگران بوده‌اند، پنجابی‌ها بلوچستان را محل سکونت خود نمودند، برزلی‌ها اقوام بومی را بطور دسته جمعی می‌کشند تا از منابع آمازون بهره گیرند و عراقی‌ها اقدام به کشتار یا تغییر محل سکونت کردها می‌کنند. این فهرست را می‌توان همچنان ادامه داد و حتی در کشوری مثل اسرائیل که ساخته دست مهاجران است، افراد هم‌مذهب به دو دسته اشکنازی و سفاردی تقسیم می‌شوند که توازن بین آنها بر ماهیت جامعه و سیاست اسرائیل اثر عمیقی دارد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۱۶).

۳-۱. تناظر میان دو مفهوم امنیت و مهاجرت

با تعریفی که از امنیت ملی و مهاجرت انجام شد می‌توان تأثیر و تأثر این دو مفهوم در یکدیگر را با وضوح بیشتری دنبال کرد. با گسترده‌گی معنایی فرض شده در امنیت ملی، ضروری است تا با خروج دلالت آن مفهوم از امنیت نظامی صرف، حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی را نیز در شمول مفهومی آن داخل نمود؛ زیرا آسیب‌های وارده به حوزه‌های یاد شده در تک‌تک اهداف امنیت ملی تأثیر گذاشته و مخاطرات فراوانی را برای امنیت ملی به همراه خواهد داشت.

مهاجرت اتباع بیگانه به یک کشور، استقلال و تمامیت ارضی آنها را به مخاطره می‌اندازد و بسیاری از تلاش‌های صورت گرفته توسط ایادی استکبار برای اخلال در امور نظام جمهوری اسلامی ایران و عملیات‌های مختلفی که در این زمینه انجام شده و می‌شود، به منظور اخلال در استقلال کشور و ناتوان جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران در محافظت از مرزهای جغرافیایی خویش بوده است. از طرفی مهاجرت اتباع بیگانه رفاه و ثبات سیاسی کشور را با تهدیدات جدی مواجه می‌نماید. این مهاجرت‌ها با تغییر در ترکیب و بافت جمعیتی شهرها و روستاها، حاکمیت را برای ترویج ارزش‌های ملی و اعتقادی خاص خود با مشکل مواجه نموده و تهدیدهای اجتماعی فراوانی را برای نظام به دنبال خواهد داشت. بنابراین پدیده مهاجرت ارتباط مستقیمی با بحث امنیت ملی هر جامعه و نظامی خواهد داشت و شناسایی آسیب‌های مختلف ناشی از این مهاجرت‌ها در حوزه‌های یاد شده، کمک‌های فراوانی برای حفظ و ارتقاء امنیت ملی هر جامعه‌ای خواهد داشت؛ لذا در ادامه تلاش می‌شود ضمن بازشماری آسیب‌های مهاجرت اتباع در حوزه‌های مختلف، تأثیر آنها در امنیت ملی بیان شود.



۲. تأثیرهای اجتماعی مهاجرت

۲-۱. ایجاد چالش در هویت اجتماعی

امنیت در سطحی پایین‌تر از دولت، یعنی با افراد و اجتماعاتی که رفاه، هستی و هویت خود را در معرض تهدید می‌بینند مطرح می‌شود؛ از این نوع امنیت، به امنیت اجتماعی تعبیر می‌شود که معطوف به حفظ و بقای ویژگی‌های بنیادی و اساسی گروه‌های اجتماعی است و ذیل عنوان «هویت» از آن یاد می‌شود (ربیعی، ۱۳۸۳: ۲۸۹). بر این اساس، یکی از جاهایی که امنیت جامعه به خطر می‌افتد زمانی است که هویت جامعه در معرض خطر واقع شود.

امنیت اجتماعی در غالب کشورها و از جمله در کشور ایران، متأثر از دین و ملیتی است که هویت‌ساز آن جامعه‌اند و استقلال کشور را رقم می‌زنند. اهمیت امنیت اجتماعی در روابط میان کشورها به قدری است که تهدیدهای خارجی بر روی سطوح اجتماعی، اغلب از تهدیدهای سیاسی و نظامی خطرناک‌ترند؛ حتی برخورد ایدئولوژی در حوزه سیاسی نیز ممکن است منجر به تهدیدهای اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی گردد. برای نمونه، برخورد متقابل حکومت‌های غربی و بنیادگرایان اسلامی اغلب این تصور را در اذهان ایجاد می‌کند که مهاجران گروه‌هایی هستند که در مقابل همانندسازی با کشور میزبان مقاومت می‌کنند و بیشتر وفادار به کشور مادری خود هستند؛ این مسئله می‌تواند تعهد آنها را نسبت به کشور میزبان متزلزل نشان دهد (زرقانی، ۱۳۹۲: ۱۹).

پیوستگی اجتماعی و سیاسی جوامع که برگرفته از هویت اجتماعی آنهاست، آستانه تحمل و ظرفیتی را برای آنها مشخص می‌کند که لبریز شدن آن، زیربنای پیوستگی آن را به خطر می‌اندازد؛ لذا آن دسته از مهاجرانی که قادر به ایجاد تطابق بیشتری بین خود و افراد جامعه میزبان، در ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی باشند، از پذیرش بهتری برخوردار خواهند بود. این ویژگی عاملی است که سبب می‌شود تا در پذیرش و رد مهاجران، ویژگی‌های قومی، فرهنگی، مذهبی و نژادی از جایگاه بالایی برخوردار باشد (Buzan, 1998: 111).

با این بیان روشن می‌شود که در بسیاری از مهاجرت‌ها، مهاجرین برای رانده نشدن از جانب کشور میزبان دست به رفتارهایی می‌زنند که باوری به درستی آن نداشته و تنها برای حفظ موقعیت خود آن رفتارها را برمی‌گزینند. این مسئله می‌تواند به مرور زمان تغییرات اساسی را در عوامل هویت یک جامعه ایجاد نموده و هویت اجتماعی را با چالش اساسی مواجه نماید که در نهایت منجر به تنزل سطح امنیت آن کشور خواهد شد.





۲-۲. تشدید آسیب‌های اجتماعی

برخی محققان امنیت ملی معتقدند، آسیب‌پذیری و تهدیدهای اجتماعی و اقتصادی در کشورهای جهان سوم، ارتباط مستقیمی با امنیت ملی آنها داشته و حتی در کشورهای پیشرفته نیز این ارتباط مستقیم، در بسیاری از موارد، قابل مشاهده است. به عبارت دیگر تهدید پایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهان سوم، حداقل همسنگ با تهدید پایه‌های سیاسی و نظامی است (پای، ۱۳۸۰: ۱۶۰).

گزارش نهایی اطلس مهاجرت، آسیب‌های اجتماعی و سنجش ضریب امنیتی محیطی استان‌های کشور نشان می‌دهد، استان‌هایی دچار آسیب‌زایی اجتماعی بالاتری بوده‌اند که پذیرای بالاترین میزان مهاجرت اتباع خارجی به‌ویژه مهاجران کشور افغانستان هستند. بر اساس این پژوهش در استان‌هایی چون تهران، خراسان رضوی، اصفهان، قم و البرز شناسایی کانون‌های تجمع این‌گونه مهاجران خارجی در کنترل جرائم اجتماعی و افزایش امنیت محیطی بسیار حائز اهمیت و ضروری است (مشفق، ۱۳۹۳: ۱۱۱-۱۱۰).

از آنجایی که وجه مشترک اکثر قریب به اتفاق مهاجرت‌های صورت گرفته به کشور ایران، با توجه به شرایط منطقه‌ای، بر پایه فقر و ناداری صورت گرفته، و با نگاه سرمایه‌گذاری و معیار نخبگی نبوده، این مهاجرت‌ها با خود پیامدها و آسیب‌های قابل تأملی را به وجود می‌آورد. از مهمترین این آسیب‌ها می‌توان آسیب‌های حقوقی و بلاتکلیفی زنان ایرانی در ازدواج با اتباع بیگانه و فرزندان آنها، نزاع‌های دسته‌جمعی، خشونت‌های جنسی، خرید و فروش مواد مخدر، سرقت و ... را نام برد. بدون تردید آسیب‌های اجتماعی مذکور هرکدام به اندازه‌ای قادرند امنیت ملی هر کشوری را به خطر انداخته و آسیب‌های فراوان دیگری را به دنبال خود ایجاد کنند.

۲-۳. ایجاد و دامن زدن به آسیب‌های فرهنگی

فرهنگ مهاجر همواره فرهنگی ناراضی از وضعیت نابسامان و بی‌توجهی‌های فرهنگ متن است؛ از طرفی فرهنگ متن نیز هر مسئله و معضل شهری، خصوصاً در حوزه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، را به فرهنگ حاشیه، که غالباً مهاجران هستند، نسبت داده یا حداقل فرهنگ حاشیه را منشأ اصلی آن می‌داند؛ از این رو همواره برچسب «نگ اجتماعی» برای فرهنگ حاشیه، ذاتی فرض شده و در میان اعضای آن به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی دائماً یادآوری می‌شود.

صرف‌نظر از این تصورات و به صورت کلی می‌توان ویژگی‌های فرهنگی مناطق مهاجرنشین



ایران را در چند مورد زیر خلاصه کرد:

- الف) پابندی به هویت قومی، سنت‌ها و ارزش‌های اولیه و حفظ خانواده به صورت گسترده؛
- ب) ترس از سازمان‌های شهری به سبب پایین بودن سطح فرهنگ و درآمد و عدم امکان تماس با سازمان‌های شهری و بهره‌مندی از امکانات آن‌ها؛
- ج) علاقه به نیرومندی و خشونت؛
- د) اعتقاد به سرنوشت، به دلیل عدم توانایی در مقابله با سختی‌ها و ناملایمات زندگی؛
- ه) بی‌کاری و کم‌کاری و کاهش درآمد؛
- و) گوشه‌گیری و جدایی‌گزینی به دلیل فقر مادی و فرهنگی؛
- ز) بی‌اعتنایی به مسائل بهداشتی و درمانی؛
- ح) سطح پایین سواد (صالحی امیری، ۱۳۹۰: ۲۳۶-۲۳۱).

ویژگی‌های یادشده با تحت تأثیر قرار دادن باورها، ارزش‌ها و رفتارهای گروه‌های حاشیه‌نشین، استعداد فراوانی در ایجاد آسیب‌های فرهنگی و دامن زدن به آسیب‌های موجود جوامع دارند. اینها از مواردی است که به مرور زمان می‌تواند امنیت ملی را از خود متأثر سازد و آن را خدشه‌دار سازد.

۲-۴. اخلال در سازماندهی فضای شهری

محیط طبیعی شهر یا فضایی که افراد در آن جای گرفته و فعالیت‌های خود را پی می‌گیرند، فضایی با امکانات و ظرفیت‌هایی محدود است. از این رو مدیران شهری نیز برای ارائه امکانات و خدمات اجتماعی به شهروندان با تنگناهای فنی و مهندسی و محدودیت‌های قانونی زیادی مواجه‌اند که خواسته و ناخواسته اثرات منفی خود را بر عملکرد کمی و کیفی آنها اعمال می‌کنند. به همین دلیل در یک فضای شهری با ظرفیت محیطی و مدیریتی محدود، میزان محدودی از جمعیت و فعالیت را هم می‌توان مکان‌یابی کرد. در چنین شرایطی زمانی که میران جمعیت و به تبع آن فعالیت در فضای شهری افزایش یابد، تنگناهای یاد شده سبب برهم خوردن رابطه متعادل و متناسب میان عناصر فضایی یا ظرف و مظلوف شده و سازمان‌یابی فضای شهری را با عدم تعادل و ناموزونی‌های شدیدی مواجه می‌سازد (محمد پور، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

آسیب‌شناسی اجتماعی جامعه شهری در ایران، از اهمیت سازماندهی فضای فیزیکی در آن حکایت دارد. الگوی توسعه شهری اخیر کشور با دو ویژگی رشد شتابان جمعیت شهری و توزیع نامتعادل آن در شبکه شهری همراه بوده که مهاجرت، حاشیه‌نشینی،



ناهمگونی در بافت اجتماعی و نارسایی در ارائه خدمات اجتماعی، بردارهای اصلی آن را تشکیل می‌دهند.

در حال حاضر مهاجرت دائم و موقت افرادی که برخوردار از پایگاه‌های فکری و فرهنگی متفاوت و منزلت‌های اجتماعی متنوعی هستند، فضای مناسبی برای بروز جرم و ناهنجاری فراهم آورده است. به عبارت دیگر فضای متراکم جمعیتی با بافت اجتماعی ناهمگون، نه تنها خود آسیب‌زا و جرم‌خیز است، بلکه جذابیت فراوانی برای ورود مجرم و تخلیه جرم و ناهنجاری برخاسته از دیگر حوزه‌های جغرافیایی به وجود می‌آورد؛ مجرمین نیز با ادراک جغرافیایی زیرکانه‌ای که از فضا دارند، برای انجام جرم به نوعی انتخاب جغرافیایی از فضای مناسب دست می‌زنند. یکی دیگر از مهمترین پیامدهای ناهنجار ناشی از بارگذاری فزاینده جمعیت و بروز پدیده نامطلوب تراکم در سازمان‌یابی فضای شهری، نارسایی در ارائه خدمات اجتماعی است که ارتباط تنگاتنگی با آسیب‌های اجتماعی دارد. بدیهی است که ارائه بسیاری از خدمات شهری اعم از بهداشتی، رفاهی و حتی فرهنگی نیز در مراکز و محلات منسجم، بسیار مطلوب و تأثیر گذارتر است و چه بسا مناطق حاشیه‌ای و مهاجرنشین، به دلایل ذکر شده، از حداقل امکانات نیز برخوردار نباشند. اینها نیز از مواردی هستند که با اخلاف در مدیریت شهری و ایجاد نارضایتی عمومی در میان مردم و ... می‌توانند زمینه‌های تهدید امنیت ملی را به وجود آورده و خطراتی را متوجه آن نمایند.

۳. تأثیرهای اقتصادی مهاجرت

۳-۱. ایجاد و تشدید فقر درون شهری

مهاجرت و فقر، پیوند تنگاتنگ و دوسویه‌ای باهم دارند؛ فقر ممکن است سبب مهاجرت از کشور مبدأ شود و مهاجرت نیز می‌تواند زمینه‌های فقر در کشور مقصد را فراهم نماید. بسیاری از مهاجرها به دلیل اینکه موفق به یافتن شغل مناسبی در راستای تخصص و مهارت خود نخواهند شد، به فعالیت‌های حاشیه‌ای با حقوق و دستمزد پایین و بدون تأمین اجتماعی مناسب می‌پردازند (علاءالدینی، ۱۳۸۴: ۱۶۹)؛ از آنجایی که مهاجرها معمولاً در حاشیه شهرها اقامت نموده، از حداقل امکانات آموزشی، رفاهی، بهداشتی و درمانی، چه در سطح عمومی و چه در سطح شخصی آن محروم خواهند بود.

نبود فضای مناسب آموزشی نسبت به تعداد دانش‌آموزان این مناطق و یا بعد مسافت و عدم به‌کارگیری معلمان کارآمد و استفاده از معلمان تازه کار و بدون تجربه برای گذراندن دوره‌های کارورزی خود، در این مناطق حساس، موجبات ضعف‌های شدید آموزشی و



پرورشی در این مناطق را فراهم آورده‌اند. فراری بودن دانش‌آموزان از مدرسه و افت شدید تحصیلی آنها به باور عدم نیاز به تحصیل توسط خانواده‌ها دامن زده و بی‌سوادی و ترک تحصیل را در این مناطق فراوان دیده می‌شود.

همه مسائل و مشکلات یادشده، سبب غوطه‌ور شدن ساکنان مناطق حاشیه‌نشین در منجلاب جرم و بزه خواهد شد. از این رو تلاش برای تأمین معاش حداقلی در این مناطق، علی‌رغم محرومیت‌ها و عدم پرورش و فرهنگ صحیح، روز به روز افراد را به سمت جرایم خطرناک و بزرگ‌تر هدایت می‌نماید. حضور مهاجرانی که از حداقل حمایت‌های دولتی نیز محروم هستند، به این مشکلات دامن زده و آنها را با موج بیکاری، فقر، فساد و ... همراه خواهد کرد تا شاید بتوانند بعضی مشکلات حیاتی خویش را پاسخگو باشند.

جرایم یادشده می‌تواند به مناطق برخوردار و پس از آن به سایر شهرها نیز گسترش پیدا کند و همه اینها از مواردی است که امنیت ملی هر کشوری را با چالش مواجه می‌نمایند که دولت‌ها موظف به رسیدگی و تدبیر درست آن خواهند بود.

۲-۳. بحران اشتغال و افزایش مشاغل کاذب

بر اساس گزارش نهایی اطلس مهاجرت، ۱۰/۴ درصد از مهاجرت‌های صورت گرفته به کشور ایران به علت اشتغال و کار بوده است. همچنین این گزارش تأکید می‌کند عمده افرادی که برای یافتن کار به ایران مهاجرت کرده‌اند، تحصیلات کمتر از دیپلم داشته‌اند (مشفق، ۱۳۹۳: ۱۰۴). از طرفی قوانین کشور ایران نیز محدودیت‌هایی را برای اشتغال اتباع بیگانه وضع نموده است؛ به گونه‌ای که ماده ۱۲۰ قانون کار با صراحت مشخص نموده، اتباع بیگانه‌ای که برای اشتغال به کار در ایران به این کشور مهاجرت می‌کنند، بایستی دارای روادید با حق کار مشخص باشند و پس از ورود به ایران باید از اداره کل اشتغال اتباع خارجی وزارت کار، پروانه اشتغال دریافت نمایند (توسلی نائینی، ۱۳۸۴: ۵۷). در چنین مواردی تبعه بیگانه، مالیات درآمد خود را نیز بایستی به دولت بپردازد. کارفرمایان نیز طبق مواد ۱۲۹-۱۲۱ قانون کار، موظف‌اند قبل از استخدام اتباع بیگانه، موافقت وزارت کار را جلب نمایند، در غیر این صورت با مجازات حبس از ۹۱ تا ۱۸۰ روز روبه‌رو خواهند شد (ماده ۱۸۱ قانون کار). از این رو روشن و واضح است که استخدام و اشتغال اتباع بیگانه‌ای که بدون مجوز وارد کشور شده‌اند، ممنوع است.

محدودیت‌های نام برده شده، بسیاری از مهاجرانی که برای اشتغال به کشور ایران مهاجرت کرده‌اند را به راه‌های غیرقانونی کسب درآمد سوق می‌دهد تا امکان تأمین معاش خود و





خانواده خویش را فراهم نمایند؛ راههایی که ممکن است با جرم و بزه همراه شود و طبیعتاً این افزایش جرم با کاهش امنیت اجتماعی رابطه روشنی دارد. البته در شرایط فعلی به خاطر حقوق و دستمزد پایین به کارگیری اتباع بیگانه و نیز عدم نظارت دقیق دستگاه‌های مربوطه، بازار کار بسیاری از مردم ایران توسط اتباع بیگانه به دست گرفته شده و بیکاری مردم ایران را به دنبال داشته است. تصرف بازار کار توسط اتباع بیگانه و بالا رفتن آمار بیکاری مردم ایران بر نوع مطالبات آنها از دولت و نظام تأثیرگذار بوده و با ادامه روند فعلی می‌تواند به بحرانی برای نظام تبدیل شود.

تفاوت دستمزد و شرایط کاری مهاجرها با کارگران بومی، نوعی دوگانگی را در بازار کار ایجاد می‌نماید؛ دریافت دستمزد کمتر در قبال کار بیشتر و با کیفیت‌تر، بدون مطالبه تسهیلات در محیط کار و خارج از آن، تلاش‌هایی است که مهاجران برای تثبیت جایگاه شغلی خود انجام می‌دهند؛ زیرا اطمینانی به ادامه کار ندارند. علاوه بر این، ورود و اقامت غیرمجاز اتباع بیگانه، امکان احقاق حقوق، طبق قانون کار را برای خود آنها نیز از بین برده و جبران خسارات ناشی از کار در مورد آنها با دشواری‌هایی روبه‌رو است؛ لذا دولت در این زمینه با موانعی مواجه است و افراد ذینفع نیز از حقوق قانونی و طبیعی خود محروم خواهند ماند (توسلی نائینی، ۱۳۸۴: ۵۸). از این رو مهاجرت علاوه بر تغییر نحوه زندگی مهاجران، الگوهای اشتغال و فعالیت آنان را نیز دگرگون می‌سازد.

۳-۳. ساخت و سازهای غیرمجاز

یکی از علت‌های مهمی که سبب مهاجرت اتباع بیگانه به کشور ایران شده، دستیابی به مسکن است؛ به گونه‌ای که طبق گزارش نهایی اطلس مهاجرت به استان‌های کشور، در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰، ۱۰/۹ درصد مهاجرت‌ها به این منظور بوده است (مشفق، ۱۳۹۳: ۱۰۴). مسکن مورد نظر مهاجرانی که در زمره فقرا هستند، مسکنی ساده، حداقلی و با کمترین امکانات و وسعت است که طبیعتاً این نوع از مسکن در حاشیه شهرها یافت می‌شود. از این رو حاشیه‌نشینی مهاجران در شهرها، چهره‌ای نازیبا و غیرمتجانس با شهر می‌سازد و افرادی که در حاشیه شهرها به صورت غیرقانونی و غیررسمی به ساخت منازل کوچک و خالی از اصول اولیه ساخت و ساز و اصول شهرسازی می‌پردازند، هزینه‌های فراوانی اعم از اصلاح ساختاری و ارائه خدمات به شهرداری و ارگان‌های دولتی تحمیل می‌کنند؛ این هزینه‌ها در بسیاری از موارد سبب عقب افتادن پروژه‌های عمرانی و رفاهی خود شهر و جابه‌جایی اولویت‌های مدیریت شهری خواهد شد.



مهاجران کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، از نظر اقتصادی، معمولاً در سطوح پایینی هستند و هزینه‌های قابل توجهی بابت مسکن، آموزش، بهداشت، تأسیسات حمل و نقل، ارتباطات و نظایر آن بر کشور میزبان تحمیل می‌کنند. به منظور تأمین و رسیدگی به موارد فوق، دولت و حکومت میزبان، ناچار است با افزایش مالیات شهروندان خود، بخشی از این هزینه‌های مازاد را تأمین نماید؛ این مسئله خود موجب نارضایتی برخی از گروه‌های اجتماعی، به خصوص گروه‌های ملی‌گرا، شده و واکنش‌هایی را به دنبال دارد؛ زیرا طبیعتاً مردم تمایلی ندارند تا مالیات‌های پرداختی آنها صرف هزینه‌های پناهندگان و اتباع بیگانه‌ای شود که سربار دولت و حکومت شده‌اند (Anoil, 1992: 39). علاوه بر این، مهاجران فقیر و بیکار به قشر کم‌درآمد جامعه افزوده می‌شوند و بر محروم‌سازی ساختار جامعه تأثیری مستقیم می‌گذارند (زرقانی، ۱۳۹۲: ۲۱).

پژوهش‌های صورت گرفته بر روی ۷۱ کشور در حال توسعه نشان می‌دهد مهاجرت‌های بین‌المللی، فقر را در کشورهای در حال توسعه شدت می‌بخشد؛ اندازه‌گیری‌ها نشان می‌دهد که به‌طور متوسط ۱۰٪ افزایش مهاجران بین‌المللی در جمعیت هر کشور منجر به کاهش ۲/۱ درصدی سهم معیشت مردم، یعنی روزانه حدود ۱ دلار برای هر فرد خواهد شد (Adams, 2005: 1645). از طرف دیگر، اقدام به کار مهاجران با کمترین دستمزد، سبب اشغال جایگاه‌های کاری و مشاغل مردم محلی شده و بسیاری از فرصت‌های شغلی توسط مهاجران از شهروندان کشور مقصد گرفته می‌شود.

ایجاد هزینه‌های اقتصادی، افزایش مالیات و کاهش فرصت‌های شغلی توسط مهاجران، علاوه بر به خطر انداختن امنیت اقتصادی، خشم مردم کشور میزبان را برانگیخته و در نتیجه ایجاد فشارهای اقتصادی و خصومت‌های اجتماعی، پیوستگی و یکپارچگی جامعه از بین رفته و این مسئله سبب مخاطره در امنیت ملی کشور خواهد شد (Buzan, 1998: 94).

۴. تأثیرهای سیاسی مهاجرت

۴-۱. اخلال در فرهنگ سیاسی و روند جامعه‌سازی سیاسی

فرهنگ سیاسی عبارت است از تلقی مردم و جهت‌گیری آنها نسبت به نظام سیاسی و کارکردهای آن. در این زمینه انگاره‌ها و ایستارها نسبت به اقتدار، مسئولیت‌های حکومتی و الگوهای مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرند (قوام، ۱۳۷۹: ۱۰۵).



وقوع ثبات در یک جامعه، به طور اساسی نیازمند تعمیق و نهادینه شدن هنجارهای اساسی در اجزا و ذرات آن جامعه است.

مهاجران اتباع بیگانه به یک کشور، نوعی از وابستگی قومی و تعلقات منطقه‌ای را با خود همراه دارند که این تعلقات، معمولاً با فرهنگ سیاسی حاکم تطبیق نخورده و جامعه‌سازی سیاسی مبتنی بر عقلانیت توسط آنها رخ نمی‌دهد، بلکه عمدتاً بر اساس منافع آنها صورت خواهد گرفت (همان، ۱۳۷۹: ۶۹). افرادی که به کشور جمهوری اسلامی ایران مهاجرت می‌نمایند، غالباً از کشورهای همجوار هستند که علی‌رغم اشتراکات فراوان موجود میان آنها، هماهنگی و همسویی لازم در بعد فرهنگ سیاسی و جامعه‌سازی سیاسی را نخواهند داشت. مشکلات و آسیب‌های مطرح شده در حاشیه شهرهای بزرگ که توسط مهاجران ایجاد می‌شود، مصداق بارزی از این ناهمسویی است. مشکلاتی که با آداب و رسوم خاص، گرایش به رفتارهای ناهنجار، قانون‌گریزی و ... همراه است (حیدر نژاد، ۱۳۹۴: ۹۰-۸۳).

۴-۲. ورود ایدئولوژی‌های متفاوت سیاسی در کشور

ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت میان مهاجران و کشور میزبان، مسئله مهم دیگری است که حتی گاهی می‌تواند منجر به عملیات نظامی و تروریستی توسط مهاجران در راستای اهداف سیاسی گروه یا کشور خاصی گردد. در جریان حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که ۲۷۵۲ شهروند آمریکایی کشته شدند، در همان ابتدا، بیشتر شک و گمان‌ها متوجه مهاجرانی گردید که دارای دین خاص (مانند مسلمان‌ها)، کشور خاص (مانند مکزیک‌ها)، قاره خاص (مانند آفریقایی‌ها) یا ناحیه خاص مثل کوزوو بودند (زرقانی، ۱۳۹۲: ۱۷)؛ در حالی که تحقیقات بعدی نشان داد ربایندگان هواپیماها، خارجیانی بودند که بین یک هفته تا چندین سال متمادی در ایالات متحده به سر برده و حداقل ۱۶ نفر از ایشان به صورت قانونی و با ویزای دانشجویی یا توریستی وارد خاک ایالات متحده شده بودند. در پی این رخداد، ایالات متحده و بسیاری از کشورهای دیگر در سیاست‌های مهاجرپذیری خود تجدید نظر کرده و راه‌های ورود تروریست‌های بالقوه به کشورهايشان را مورد توجه بیشتری قرار دادند (مارتین، ۱۳۸۶: ۱۰).

موقعیت ژئوپولیتیکی جمهوری اسلامی ایران و نیز اقتضای حوادث منطقه‌ای، به ویژه در جریان مخاصمات و درگیری‌های منطقه‌ای (سوریه، عراق، یمن و عربستان) سال‌ها و ماه‌های اخیر، ایران در زمره کشورهای هدف مهاجرت قرار دارد. از آنجایی که در همه مخاصمات یادشده، هدف نهایی به نوعی مقابله با انقلاب اسلامی ایران از طریق جنگ‌های



نیابتی است، جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهای قربانی ترور و تروریسم بوده و از اهرم ترور و انتحار به هرنحو ممکن بر علیه او بهره برده‌اند. بدیهی است ابزار مهاجرت یکی از ظرفیت‌هایی است که می‌تواند آسیب‌های قابل توجه و جبران‌ناپذیری را در سطوح خرد و کلان، متوجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نماید. در این زمینه، ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت مهاجران، ظرفیت بسیار مطلوبی برای دشمنان در ضربه زدن به امنیت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

۳-۴. سوء استفاده از آزادی‌های سیاسی

اتباع خارجی مقیم در خاک ایران به موجب ماده ۷ قانون مدنی، در مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود (ارفع‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۳۰). از طرفی، بیگانگان از برخی حقوق عمومی محرومند که اهم آنها از این قرار است: ۱. حق رأی دادن و انتخاب کردن (در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و...); ۲. حق انتخاب شدن در غالب مشاغل سیاسی، اعم از انتخابی و انتصابی; ۳. حق استخدام در مشاغل دولتی (اصل ۸۲ قانون اساسی); ۴. حق اشتغال در مشاغل عمومی غیردولتی مانند عضویت در اتاق بازرگانی، تصدی شهرداری و...; ۵. حق استفاده از مشاغل وابسته به مشاغل دولتی مانند وکالت دادگستری، سردفتری و دفتریاری; ۶. حق عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی (اصل ۱۴۵ قانون اساسی) (امامی، ۱۳۴۰: ۱۰۲).

یکی از مؤلفه‌های تعیین کننده جامعه مدنی، وجود آزادی‌های فردی و فراهم بودن زمینه و فرصت برای شهروندان جهت مشارکت در سیاست و امور حکومتی و نیز شرکت در شکل‌های حزبی و صنفی برای تحقق خواسته‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است (کاظمی، ۱۳۷۶: ۱۰۱). وجود محرومیت‌های یادشده به معنای سلب آزادی سیاسی مهاجران نیست، بلکه آزادی بیان، قلم، تشکل، مذهب و ... در چارچوب قوانین داخل کشور، از ارکان آزادی سیاسی است که این حق برای مهاجران نیز محفوظ است.

بیشتر مهاجرت‌های صورت گرفته به کشور ایران، به سبب وجود شرایط نامساعد کشور مبدأ، به ویژه در شرایط جنگ، خشونت و ناآرامی است و مهاجرت نخبگان و سرمایه‌گذاری کمتر اتفاق می‌افتد؛ لذا آنگونه که گذشت، ویژگی بارز این مهاجرت‌ها فقر و ناداری است که سکنی گزیدن در حاشیه شهرها از تبعات این خصیصه یاد شده است که امروزه به یکی از مسائل و دغدغه‌های مطرح برای نظام جمهوری اسلامی ایران شده است. مشکلات



ناشی از حاشیه‌نشینی در کنار ضعف نهادهای مدنی و غیر متمرکز در این جمعیت‌های مهاجر می‌تواند زمینه‌های سوء استفاده از ظرفیت‌های موجود آزادی در چارچوب‌های مشخص شده را فراهم نماید؛ این سوء استفاده، ممکن است در قالب تجمعات و اعتراضات غیر منطقی صورت گیرد که در برخی مواقع برگرداندن آرامش و مصونیت از آسیب‌ها، هزینه‌های بسیاری را در پی خواهد داشت و در قالب امنیت ملی حل و فصل می‌گردد (صالحی امیری، ۱۳۹۰: ۲۱۳).

۴-۴. ایجاد مخاطره در امنیت عمومی

امنیت عمومی، وضعیتی از تفوق نظم، قانون و رعایت عدالت در جامعه است و شهروندان در سایه آن، از تهدید و خطر در امان بوده و برای حفظ و پاسداری از حقوق خود و رفع زمینه‌ها و عوامل تعرض احتمالی، اطمینان خاطر دارند (سلمان خاکسار، ۱۳۸۹: ۴۰۵-۳۴۶). تحقق امنیت عمومی مبتنی بر عواملی است که این عوامل عبارتند از:

۱. اجرا و تعمیم عدالت و قانون به طور یکسان و نفی هرگونه تبعیض در جامعه؛
۲. مبارزه با عوامل تجاوز و زمینه‌های تعرض احتمالی و نیروهای فشار و وحشت و مهار کردن عواملی که زمینه تعرض دارند و پیشگیری‌های لازم برای خشکانیدن ریشه‌های تعدی و تعرض؛

۳. آشنایی عامه مردم با حقوق افراد و آگاهی لازم در جهت احترام به حقوق دیگران؛

۴. ضمانت اجرای نیرومند معنوی (ایمان و اخلاق)؛

۵. ضمانت اجرای قانونی برای کیفر دادن متجاوزین به حقوق مردم (عمید زنجانی، ۱۳۷۵: ۴۱۲).
به نظر می‌رسد عوامل یاد شده یکطرفه بوده و بیشتر بر دوش دولت گذاشته شده است؛ لکن به نظر می‌رسد چه ایجاد امنیت و چه به مخاطره انداختن امنیت، یکسویه نبوده و حتی ممکن است برخی مواقع، مسبب این امنیت و عدم امنیت، افرادی از جامعه باشند که در گذشته نبوده‌اند و با مهاجرت، جزء جامعه کنونی گردیده‌اند. این افراد در مقایسه خود با دیگر اعضاء جامعه، حقوقی از خود را از دست رفته دیده و خود را در معرض ناعدالتی و در مقام مظلوم تصور می‌کنند؛ لذا برای رسیدن به حقوق فرضی خود، از حربه ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به نظام و دولت برای رسیدن به اهداف مبتنی بر آن حقوق فرضی استفاده می‌کنند. به عبارتی دیگر، مهاجران و اتباع بیگانه با استفاده از رسانه‌ها و تبلیغات و مصاحبه و حضور در میان مردم، گلایه‌های خویش از نوع بی‌عدالتی‌ها و برخوردهای صورت گرفته با آنها را مطرح نموده و با ابراز نارضایتی خود، نظام حاکم را زیر سؤال می‌برند.



این نحوه از ایجاد مخاطره در امنیت عمومی که به سبب مهاجرت از کشورهای همسایه به جمهوری اسلامی ایران شکل می‌گیرد، در نگاه امنیت ملی، قابل تأمل و به لحاظ امنیت سیاسی زیانبار است.

۴-۵. تشدید پدیده قومیت‌گرایی

جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس تاکنون موارد متعددی از ناامنی‌های قومی را در مناطق مختلف کشور تجربه کرده است. هرچند این حرکت‌ها در برخی مناطق همچون کردستان، سیستان و بلوچستان، تبریز، خوزستان، ترکمن صحرا و ... با تدبیر و اقتدار مدیریت شده است، لکن واقعیت ظرفیت تهدیدات قومی جمهوری اسلامی ایران مسئله‌ای نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت؛ زیرا قومیت از دیرباز در بعد امنیتی حائز اهمیت بوده و باید با حساسیت ویژه، مورد توجه قرار گیرد و آسیب‌شناسی این پدیده را مدنظر قرار داد.

محققان بر این باورند که تا اواسط قرن بیستم، بخش‌هایی از جمعیت ایران ساختار قومی داشت و در مناطق مهمی از سرزمین ایران، گروه‌های قومی شناخته شده‌ای چون لر، ترک، کرد، بلوچ، طالشی، عرب و ترکمن ساکن هستند. کمتر از نیمی از ترکیب قومی کشور را اقوام غیرفارس تشکیل می‌دهند که عمدتاً در نوار مرزی و قلمرو جغرافیایی منطبق با نام اقوام مربوطه، استقرار و آرایش یافته‌اند. آذری‌ها با جمعیتی بالغ بر ۲۷ درصد کشور در شمال غربی و غرب، کردها با حدود ۱۰ درصد جمعیت کشور در غرب، بلوچ‌ها با ۲/۲ درصد جمعیت کشور در جنوب، ترکمن‌ها با ۲ درصد جمعیت کشور در شمال شرقی و طالشی‌ها با یک درصد (۵۰۰ هزار نفر جمعیت) زندگی می‌کردند که از نظر جغرافیایی سیاسی و جمعیتی معنا و تعریف خاصی را برای ملت و کشور ایران پدید آورده است (دفتر طرح و بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۸۰: ۳۱).

شکل‌شناسی اقوام در ایران از بعد نظری، با تفاسیر و تعاریف علوم اجتماعی از مفهوم قومیت، انطباق کامل ندارد؛ لکن واقعیت این است که کشور ایران دارای مناطق مختلف فرهنگی است که احساسات هویتی خاص از جمله مشترکات نژادی، زبانی، ادبیات، سکونت و ... آنها را به عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگتر مشخص می‌کند (حسین‌زاده، ۱۳۸۰: ۴۶). مختصات منحصر به فرد اقوام ایرانی باعث شده تا موضوع قومیت در این سرزمین از پیچیدگی‌ها و ابهامات و نیز بار امنیتی درخور توجهی برخوردار شود.

گرچه یکی از عوامل تشدید پدیده قومیت‌گرایی، مهاجرت اتباع بیگانه به کشور ایران است؛ لکن این تأثیرگذاری در بحث افغان‌ها کمتر مورد ادعان است و نگرانی و دغدغه موجود در بحث قومیت‌گرایی بیشتر مربوط به استان‌های قومیت‌گرا می‌باشد.





۴-۶. استفاده ابزاری از مهاجران توسط کشورهای مبدأ

تهدیدهای مختلف، مستلزم انواع متفاوتی از توانمندی‌ها و واکنش‌های سیاسی است. ملاحظات نظامی و امنیتی که علنی، همراه با فشار و عملی باشند، نیروی فشار مشابهی را جهت دفع تهدیدات خارجی یا حمله به دشمنان می‌طلبد (آزر واین مون، ۱۳۷۹: ۳۷۹). از جمله این تهدیدات که می‌تواند بصورت کاملاً از پیش طراحی شده و یا بدون برنامه‌ریزی باشد، بحث مهاجرت اتباع بیگانه به کشور جمهوری اسلامی ایران است. شاید در عمل، چنین امری به ندرت رخ دهد، اما در قالب و چارچوب امنیت ملی، کاملاً منطقی و قابل دفاع است. در نگاه کلان و راهبردی به بحث مهاجرت، به ویژه در قالب قومیت‌ها که بحث آن گذشت، در مواقع حساس، مهاجران می‌توانند ابزار مناسبی برای اجرای برنامه‌های تخریبی کشورهای مبدأ باشند.

سیری در سوابق گروه‌های قومی ایران نشان می‌دهد، خیزش‌های حاد سیاسی و گاه تحرکات خشونت‌آمیز واگرایانه و بعضاً جدایی‌طلبانه، برجسته‌تر از سایر ویژگی‌های مطرح آنان است. ویژگی‌های مورد اشاره در گروه‌های قومی به لحاظ تاریخی در زمان‌های پس از انقلاب مشروطیت و در شرایط شکل‌گیری دولت مدرن ایران (در سال‌های ۱۳۰۰ به بعد)، در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴-۱۳۲۰)، و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی (در سال ۱۳۵۷) و به دنبال تحول بزرگ سیاسی آن، سر باز کرده و به صورت بحران سیاسی پیچیده و گسترده‌ای نمایان شده است. از این رو می‌توان گفت تحرکات بزرگ قومی ایران، در زمان بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رخ نشان داده است.

استقرار برخی از مهاجران در حاشیه کشور و ارتباط مستمر آنها با کشورهای همجوار به سبب سهولت تردد آنها، منجر به نفوذپذیری مرزها و حضور سرویس‌های جاسوسی کشورهای دشمن و حتی دوست شده است تا با استخدام مهاجران دارای انگیزه‌های قومی، اهداف خود را در کشور ایران محقق سازند. این استخدام‌ها ممکن است با فعالیت‌هایی احساس قوم‌گرایی و جنبش‌های تجزیه‌طلبانه را تحریک و تشدید نموده و زمینه‌های نفوذ به مراکز حساس سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... را فراهم نماید. از این رو حفظ و بقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مستلزم هوشمندی در برخورد با مهاجران و اتباع بیگانه خواهد بود.



مهاجرت اتباع بیگانه، یکی از مسائلی است که با امنیت و نظام سیاسی هر کشوری ارتباط مستقیمی دارد. وجود تحولات فعال و نیمه فعال منطقه‌ای مانند سوریه، لبنان، عراق، یمن، عربستان، بحرین، افغانستان و ... و نیز ظرفیت امنیتی حاکم بر کشور جمهوری اسلامی ایران، بسیاری از مهاجران منطقه را به سوی خود جلب نموده است. از آنجایی که مهاجرت‌های انجام شده به کشور ایران به سبب فقر و ناداری است، نه با معیار سرمایه‌گذاری و نخبگی، بدیهی است، مهاجرت‌هایی که صورت می‌گیرد، پیامدهای امنیتی فراوانی به دنبال خواهد داشت. لذا حفظ و حراست از نظام و حاکمیت ملی ایجاب می‌کند نسبت به مسئله مهاجرت اتباع بیگانه توجه جدی صورت پذیرد. نگاه امنیتی به پدیده مهاجرت اتباع بیگانه، معطوف به آثار مستقیم و بدون واسطه آن نیست، چه‌بسا در بسیاری از مواقع، اثر مهاجرت بر ناامنی، اثری تعاملی و ترکیبی باشد و به یاری عوامل دیگری، موجبات ناامنی را فراهم نمایند. به همین جهت، آثار زیانبار مهاجرت اتباع بیگانه بر امنیت جمهوری اسلامی ایران در بعد اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی - امنیتی قابل بررسی است. بسیاری از شاخه‌ها و زیر مجموعه‌های ابعاد یاد شده، گاهی زمینه‌ساز و گاهی مکمل ابعاد دیگر خواهند بود؛ برای نمونه، ممکن است یک بحث اجتماعی، به راحتی در این مهاجرت‌ها تبدیل به یک بحث سیاسی - امنیتی شود. گرچه معمولاً دو بعد اقتصادی و اجتماعی در پدیده مهاجرت، زمینه‌ساز بحران در بعد سیاسی - امنیتی خواهند شد.

برای مقابله با تهدیدهای امنیتی پدیده مهاجرت می‌توان ضمن بررسی دقیق عوامل نابسامانی اتباع بیگانه مقیم کشور، راهکارهایی را برای کنترل و کاهش آسیب‌های ناشی از آن ارائه داد. برخی از این راهکارها می‌توانند موارد زیر باشند:

- ارائه مدل مناسب برای ساماندهی مطلوب اتباع بیگانه؛
- ایجاد تمهیدات فرهنگی به منظور کاهش جرایم مهاجران؛
- بالابردن هزینه اقامت و ارائه خدمات اجتماعی به آنها
- تهیه و تدوین طرح جامع شهری برای حاشیه کلان‌شهرها
- همکاری و تعامل فعال با سازمان‌های بین‌المللی
- همکاری و تعامل با سازمان‌های مردم‌نهاد و غیر دولتی در زمینه ساماندهی مهاجرت‌های خارجی





فهرست منابع

- ارفع نیا، بهشید (۱۳۸۹)، **حقوق بین الملل خصوصی**. تهران: فروزش، ج ۱.
- امامی، سید حسن (۱۳۴۰)، **حقوق مدنی**. تهران: نشر اسلامیه، ج ۴.
- آزر، ادوارد و چونگ این مون (۱۳۷۹)، **امنیت ملی در جهان سوم**. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، **مردم، دولت‌ها و هراس**. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰)، **بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، **مطالعات امنیتی نوین**. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۴)، «تبعات ورود و اقامت غیر مجاز اتباع بیگانه در ایران»، **نامه مفید**، دوره ۱۱، شماره ۴۹، صص ۶۴-۴۷، قم: دانشگاه مفید.
- جمراسی فراهانی، علی اصغر (۱۳۷۴)، **عوامل تهدید امنیت ملی و شیوه‌های حراست از آن در سیاست بین‌المللی**. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- حسین زاده، فهیمه (۱۳۸۰)، **گروه‌های قومی ایران**. تهران: مطالعات ملی.
- حیدرنژاد، علیرضا (۱۳۹۴)، **مهاجرت و معضلات فرهنگی و اجتماعی در شهر مشهد**. مشهد: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی خراسان رضوی.
- دفتر طرح و بررسی‌های استراتژیک (۱۳۷۹)، **قوم‌گرایی و چالش‌های فراگیر جهان**. تهران: انتشارات بررسی‌های استراتژیک.
- دفتر طرح و بررسی‌های استراتژیک (۱۳۷۹)، **سیاست‌های قومی**. تهران: انتشارات بررسی‌های استراتژیک.
- دفتر طرح و بررسی‌های استراتژیک (۱۳۸۰)، **ناهمگونی قومی و امنیت ملی**. تهران: انتشارات بررسی‌های استراتژیک.
- ربیعی، علی (۱۳۸۳)، **مطالعات امنیت ملی**. تهران: وزارت امور خارجه.
- زرقانی سید هادی و سیده زهرا موسوی (۱۳۹۲)، «مهاجرت‌های بین‌المللی و امنیت ملی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۱۶، شماره ۵۹، صص ۲۶-۷، تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.





- زنجانی، حبیب (۱۳۸۰)، **مهاجرت**. تهران: سمت.
- سلمان خاکسار، عبدالحمید (۱۳۸۹)، **حکومت، فرد و امنیت**. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- صالحی امیری، سیدرضا و زهرا خدائی (۱۳۹۰)، **حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، چالش‌ها و پیامدها**. تهران: ققنوس.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۵)، **آسیب‌شناسی اجتماعی**. تهران: انتشاران آن.
- علاءالدینی، پویا و یحیی امامی (۱۳۸۴)، «جهانی شدن مهاجرت و فقر در ایران»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۲۰۰-۱۶۹، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۵)، **مبانی اندیشه اسلام**. تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، **فرهنگ عمید**. تهران: امیرکبیر.
- فهیمی راد، حمید (۱۳۹۰)، **مهاجرت اتباع بیگانه (افاغنه) به استان خراسان رضوی**. مشهد: مرکز تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی خراسان رضوی.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹)، **چالش‌های توسعه سیاسی**. تهران: قومس.
- کاظمی، عزیز (۱۳۹۳)، «همایش مدیریت بحران و حمایت از پناهندگان»، **روزنامه جوان**، ۱۱ بهمن ۱۳۹۳، شماره ۴۴۵۳.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۶)، **بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر**. تهران: قومس.
- گروه واژه‌گزینی (۱۳۹۱)، **فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان**. دفتر نهم، تهران: فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی.
- مارتین، فلیپ و جوناس ویگون (۱۳۸۶)، **مهاجرت بین‌المللی؛ رویارویی با چالش‌ها**. ترجمه: ابوالقاسم ناظمی اردکانی و محمد عاملی خراسکانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، **چهره متغیر امنیت ملی**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱)، **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**. تهران: سمت.



- محمدپور، صابر و دیگران (۱۳۸۹)، «تحلیل نقش مهاجرت در زمینه‌سازی برای پیدایش آسیب‌های اجتماعی شهرنشینی شتابان در ایران» فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول، صص ۱۷۶-۱۵۷، گرمسار: دانشگاه آزاد اسلامی.
- مشفق، محمود (۱۳۹۳)، گزارش نهایی اطلس مهاجرت، آسیب‌های اجتماعی و سنجش ضریب امنیت محیطی استان‌های کشور. مشهد: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی خراسان رضوی.
- مشفق، محمود (۱۳۹۳)، گزارش نهایی سیاست‌های دولتی مرتبط با مهاجرین خارجی با تأکید بر ابعاد امنیتی و انتظامی. مشهد: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی خراسان رضوی.
- مهاجرین، رضا (۱۳۸۷)، تأثیر حاشیه‌نشینی بر میزان بزهکاری در کلان‌شهرها، تهران: جنگل جاودانه.
- Adams, Richard H. (2005), "Do International Migration And Remittances Rduce Poverty InDeveloping Countries?", World Development, Vol.33, No.10
- Anoil, W. (1992), International Migration and European Security. Inštytut Studiów Politycznych Polskiej Akademii Nauk, Warsaw
- Buzan, Barry (1998), Security: A Framework for Analysis. Boulder: Lynne Rienner



